

مهاجرت علمی: بررسی علل گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های غیر جامعه‌شناسی به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی

فاطمه جواهری

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۱، تاریخ پذیرش ۸۸/۴/۱۰)

چکیده: طی چند سال اخیر شاهد هستیم برخی از افرادی که در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی پذیرفته شده و به تحصیل می‌پردازند، رشته تحصیلی اولیه آن‌ها جامعه‌شناسی نبوده است. کنجکاوی در این مورد از آن جهت حائز اهمیت است که شناخت ما را نسبت به وضعیت جامعه‌شناسی ایران و مسایل جاری آن افزایش می‌دهد. هدف اصلی این مقاله واکاوی برخی از ابعاد این موضوع است. به این منظور نویسنده درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- افرادی که رشته قبلی خود را تغییر داده و جامعه‌شناسی را انتخاب کرده‌اند از رشته قبلی خود چه ارزیابی دارند؟ این افراد چگونه به جامعه‌شناسی گرایش پیدا کرده‌اند و در حال حاضر در ارتباط با جامعه‌شناسی دارای چه نوع ارزیابی‌ها و سوی‌گیری‌هایی هستند؟

اطلاعات این پژوهش در چارچوب روش پیمایشی، با تکیه بر یک رویکرد اکتشافی و براساس مصاحبه با ۱۲۵ نفر از دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی و پژوهش اجتماعی دانشگاه‌های دولتی در سال ۱۳۸۷ گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از یک سو ناکارآمد بودن معیارهای تصمیم‌گیری در هنگام انتخاب رشته

۱. این تحقیق با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است.

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص. ۸۹-۱۱۹

تسحیصی اولیه، و ارزیابی انتقادی از رشته قبل، و از طرف دیگر شکل‌گیری انتظارات مثبت از تحصیل در رشته جامعه‌شناسی که برخاسته از شرایط ساختاری جامعه ایران و تحولات اجتماعی-سیاسی مرتبط با آن است در این فرایند نقش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

مفاهیم کلیدی: رشته تحصیلی، تغییر رشته، گرایش، جامعه‌شناسی.

۱. مقدمه

تغییر حوزه دانش رخداد تازه‌ای نیست و جامعه‌شناسی خود، زاده همین فرایند است. بنیان‌گذاران اولیه جامعه‌شناسی و برخی جامعه‌شناسان معاصر که به توسعه این دانش کمک شایان توجهی نموده‌اند از حوزه‌های علمی دیگر به‌سوی جامعه‌شناسی گرد آمده‌اند. برای مثال آگوست کنت (۱۷۹۸) در فیزیک و فلسفه؛ کارل مارکس (۱۸۱۸) در حقوق و اقتصاد؛ هربرت اسپنسر (۱۸۲۰) در زیست‌شناسی؛ ویلفردو پارتو (۱۸۴۸) در راه و ساختمان و اقتصاد؛ امیل دورکیم (۱۸۵۸) در فلسفه؛ جورج زیمل (۱۸۵۸) در تاریخ و فلسفه؛ جورج هربرت مید (۱۸۶۳) در فلسفه؛ ماکس وبر (۱۸۶۴) در حقوق، اقتصاد و فلسفه؛ رابرت پارک (۱۸۶۴) در فلسفه و روان‌شناسی؛ تالکوت پارسونز (۱۹۰۲) در زیست‌شناسی؛ جورج کاسپار هومنز (۱۹۱۰) در زبان و روان‌شناسی و میشل فوکو (۱۹۲۶) در آسیب‌شناسی روانی و فلسفه تحصیل کرده بودند.

جامعه‌شناسی ایران نیز در وضعیت مشابهی رشد یافته است. به این معنا که «افرادی مانند صادق هدایت، جلال آل احمد، مرتضی مطهری، داریوش آشوری، مجید تهرانیان، علی اسدی، علی محمد کردان و باقر پرهام که می‌توان آن‌ها را عالمان اجتماعی یا محققان آزاد نامید از سال ۱۳۲۹ تاکنون در رشد جامعه‌شناسی ایران سهم مؤثری داشته‌اند. این افراد به‌طور غیرمستقیم به مرتبط ساختن مباحث اجتماعی با رشته‌هایی مانند دین، فلسفه، روان‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی اهتمام ورزیدند و موجب شکل‌گیری فلسفه اجتماعی مطالعات تطبیقی، جامعه‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی ایران شدند» (آزاد، ۱۳۷۸: ۵۶). این امر موجب شد جامعه‌شناسی مورد اقبال متفکران سایر رشته‌ها و حوزه‌های علمی قرار گیرد. بر این اساس در حال حاضر، تعدادی از اساتیدی که در دانشگاه‌های ایران به تدریس جامعه‌شناسی می‌پردازند، سابقه تحصیلی اولیه آن‌ها در اصل جامعه‌شناسی نبوده است.

افزون بر این طی چند سال گذشته شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قانونی را به تصویب رساند که براساس آن موفقیت در آزمون ورودی شرط کافی برای ورود به مقطع کارشناسی ارشد دانسته شد (بی‌نا، ۱۳۸۲). از آن پس هر سال شاهد هستیم

تعدادی از افرادی که در مقطع کارشناسی دانشجوی رشته علوم اجتماعی نبوده‌اند، در مقطع کارشناسی ارشد رشته اولیه خود را رها کرده و رشته جامعه‌شناسی را انتخاب می‌کنند. در این نوشتار با تسامح از این فرایند تحت عنوان «مهاجرت علمی» یاد می‌شود. آمار جدول ۱، نشان می‌دهد که طی چند سال گذشته تمام دانشگاه‌های دولتی ایران به میزان‌های متغیری بین ۱۰٪ تا حداکثر ۴۵٪ با پدیده مهاجرت به سوی یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌های علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، پژوهش اجتماعی، جمعیت‌شناسی، مطالعات زنان، مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسی) مواجه بوده‌اند.

جدول ۱. نسبت دانشجویان غیر جامعه‌شناسی پذیرفته شده در مقطع کارشناسی ارشد یکی از گرایش‌های علوم اجتماعی (۱۳۸۶-۱۳۸۴)

نام دانشگاه	۱۳۸۴		۱۳۸۵		۱۳۸۶	
	تعداد کل پذیرفته‌شدگان	نسبت پذیرفته شدگان غیرمرتبط	تعداد کل پذیرفته‌شدگان	نسبت پذیرفته شدگان غیرمرتبط	تعداد کل پذیرفته‌شدگان	نسبت پذیرفته شدگان غیرمرتبط
اصفهان	۱۱	۴۵/۴٪	۷	۱۴/۲٪	۲۰	۱۰٪
الزهر	۴	۲۵٪	۹	۳۰٪	۱۴	۱۵٪
بوعلی سینا	۱۷	۱۸٪	۱۳	-	۱۴	۱۵٪
تبریز	۱۰	۳۳٪	۱۸	۴۰٪	۱۷	۴۲٪
تربیت مدرس ^۱	۵	-	۶	۳۳٪	۲۱	۳۸٪
تربیت معلم	۱۹	۴۰٪	۱۰	۱۰٪	۱۲	۳۰٪
تهران	۴۹	۲۶/۵٪	۷۸	۱۲٪	۸۲	۲۵٪
شهید چمران	۹	۲۲٪	۸	۳۷٪	۱۲	۲۵٪
شهید باهنر	۸	۱۳٪	۹	۲۳٪	۶	۱۶٪
شهید بهشتی	۴	۵۰٪	۱۵	۳۳٪	۱۵	۲۳٪
شیواز	۱۱	۳۶/۳٪	۱۲	۲۵٪	۱۵	۱۴٪
علامه طباطبایی	۲۵	۱۶٪	۳۰	۶٪	۳۹	۴۵٪
گیلان	۱۲	۲۰٪	۱۴	-	۱۶	۶٪
مازندران	۱۲	-	۳۷	۷٪	۱۱	۹٪
مشهد	۱۳	۳۸/۴٪	۲۰	۳۰٪	۱۰	۴۰٪
یزد	۴	۲۵٪	۶	۱۶٪	۸	۱۳٪

منبع: معاونت فنی و آمار سازمان سنجش ۱۳۸۷

۱. گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۶ پذیرش دانشجوی نداشته است از این رو در جدول شماره ۱ تعداد پذیرفته‌شدگان سال ۱۳۸۷ این دانشگاه جایگزین سال ۱۳۸۶ شده است.

طبیعی است که برای هر نظام اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی ضروری است بر جریان‌های ورودی و خروجی، بر عملکرد داخلی و نوع ارتباطی که با محیط پیرامون خود دارد، نظارت داشته باشد. تأمل در زمینه‌ها و علل روی آوردن به جامعه‌شناسی می‌تواند به درک بهتر موقعیت جامعه‌شناسی ایران کمک کند و آگاهی از این‌که دانشجویان ما چه کسانی هستند، مؤثر باشد.

شایسته است به این واقعیت اشاره شود که هرچند در ارتباط با موضوع انتخاب رشته تحصیلی تحقیقات متعددی انجام شده، اما این پژوهش‌ها اغلب از جانب روان‌شناسان و عالمان حوزه تعلیم و تربیت صورت گرفته و موضوع آن‌ها نیز اغلب به انتخاب رشته تحصیلی در مقطع متوسطه یا انتخاب رشته هنگام ورود به دانشگاه مربوط است. اما درباره «علل تغییر رشته تحصیلی در دانشگاه و تقاضا برای رشته‌ای جدید» که شکل خاصی از انتخاب رشته می‌باشد، پژوهشی انجام نشده است.

مطالعه حاضر به عنوان یک گام مقدماتی درصدد است با اتخاذ رویکردی اکتشافی، برخی ابعاد گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر به جامعه‌شناسی را واکاوی نماید. امید است یافته‌های این تحقیق منشأ شکل‌گیری پژوهش‌هایی جامع‌تر باشد. در این راستا پاسخ‌گویی به چند پرسش زیر وجه همت محقق است:

-- افرادی که رشته قبلی آن‌ها جامعه‌شناسی نبوده با چه انتظاراتی جامعه‌شناسی را انتخاب کرده‌اند؟

-- این افراد در حال حاضر در قلمرو جامعه‌شناسی دارای چه نوع جهت‌یابی‌ها و علایق فکری هستند؟

-- تحصیل در رشته جامعه‌شناسی برای آنان چه دستاوردهایی به همراه داشته است؟

-- تحصیل در رشته جامعه‌شناسی آن‌ها را با چه مشکلاتی مواجه ساخته است؟

-- چرا افراد رشته قبلی خود را تغییر داده و جامعه‌شناسی را انتخاب کرده‌اند؟

۲. چارچوب مفهومی

انتخاب رشته تحصیلی یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌هایی است که هر فرد در طول زندگی خود انجام می‌دهد. این پدیده دارای یک عنصر ادراکی - شناختی (ارزیابی از رشته دیگر و اعتقاد به سودمندی پرونده‌های آن)، یک مؤلفه ارزشی - عاطفی (علاقه به رشته دیگر) و یک جزء رفتاری (تحصیل در رشته‌ای دیگر) می‌باشد.

داوطلبان در فرایند انتخاب رشته از سه مرحله آمادگی، انحصار و ارزشیابی گذر می‌کنند. در مرحله اول عواملی مانند آمال و آرزوها، زمینه اجتماعی، افراد مرجع و مهم، تجربه و توانایی تحصیلی، سوابق و پیشینه خانوادگی ترجیحات فرد را جهت می‌دهد. در مرحله انحصار، فرد با اشخاص خاصی در مورد رشته‌ها و دانشگاه‌های مختلف مشورت می‌کند و هزینه‌ها و منافع احتمالی را مد نظر قرار می‌دهد. در مرحله سوم، گزینه‌های مختلف برای تصمیم‌گیری نهایی ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شود (آقا بابا، ۱۳۸۷: ۱۵۴، به نقل از داسکر ۲۰۰۵).

تغییر رشته تحصیلی از آن حیث که مبتنی بر یک نوع نگرش انتقادی نسبت به رشته قبل و تمایل مثبت نسبت به رشته جدید است با موضوع گرایش مناسبت دارد و از آن حیث که رویدادی است که تحقق عینی یافته، ملازم کنش و رفتار می‌باشد. از این رو، برای تبیین موضوع یادشده می‌توان از دیدگاه‌های تبیین‌کننده رفتار و گرایش بهره‌برداری نمود.

گرایش مجموعه ارزیابی‌هایی است که به‌طرزی پیچیده به باورها، احساسات و رفتار آدمی مربوط می‌باشد و شامل همه چیز از جمله مردم، اعمال، رویدادها، سیاست‌ها و خوردنی‌ها می‌شود. گرایش راهنمای اندیشه و رفتار است (سابینی و همکاران، ۱۹۹۲: ۵۲۸). با وجود اختلاف نظرهایی که در مورد رابطه میان رفتار و گرایش وجود دارد، به هر حال می‌توان گفت گرایش، حداقل یکی از تعیین‌کننده‌های رفتار می‌باشد (بارون، بایرن و سولز، ۱۹۸۸: ۹۵-۹۴). اما گرایش‌های انسان مانند هر پدیده دیگر در معرض دگرگونی هستند. به این جهت بارها مشاهده شده فردی که در زمانی خاص به یک پدیده تمایل مثبت داشته (یک رشته تحصیلی)، در زمان دیگر نسبت به آن بی‌علاقه شده است.

یکی از نظریات توضیح‌دهنده گرایش و رفتار دیدگاه فیش باین و آیزن^۱ است. از نظر آن‌ها رفتار عقلانی، رفتاری است هدفمند که بر پایه به‌کارگیری ابزارهای مناسب، ارزیابی نتایج احتمالی و برآورد سود و زیان حاصل از آن شکل گرفته است. رفتار عقلانی در وهله اول تابع قصد و نیت آدمی است. گرایش‌ها و هنجارهای ذهنی از طریق تأثیری که بر قصد و نیت می‌گذارند، رفتار انسان را هدایت می‌کنند. برآورد نتایج احتمالی انجام یک عمل و ارزیابی آن نتایج، گرایش انسان را تعیین می‌کند. البته اهداف، نیازها و ارزش‌ها هم به‌نوبه خود تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر شکل‌گیری گرایش دارند. هنجارهای ذهنی به معنای ادراک فرد از چیزی است که دیگران مهم در مورد انجام یک عمل خاص آن را با اهمیت می‌دانند. این‌که یک فرد چقدر

1. Fishbein & Ajzen

تحت تأثیر دیگران است، به میزان انگیزه فرد برای تبعیت از آن‌ها بستگی دارد (بومان و مای، ۲۰۰۱: ۵۸۳-۵۸۰).

به هر حال انسان‌ها بر پایه یک آموزش اجتماعی آموخته‌اند که به گفته‌های افراد متنفذ توجه کنند زیرا تأیید آن‌ها تشویق و توبیخ‌های مهمی در پی دارد (کوهن، ۱۳۷۸: ۴۱). در واقع می‌توان گفت، مردم گرایش‌های خود را با گرایش افرادی که آن‌ها را دوست دارند، هماهنگ می‌سازند (سیرز، پپلو و تیلور، ۱۹۹۱: ۱۸۳).

تأثیرگذاری دیگران مهم ممکن است از طریق فرایند متقاعد شدن^۱ صورت پذیرد. براساس نظر کارل هولند^۲ مباحثه، گفت‌وگو و تشریح نقاط ضعف و قوت یک پدیده می‌تواند به تغییر گرایش منجر شود. براساس مدل احتمال مذاکره^۳ مجاب‌سازی می‌تواند شکل نظام یافته (مبتنی بر برنامه‌ای از پیش تعیین شده) یا غیر نظام یافته داشته باشد (بارون، بایرن و سولز، ۱۹۸۸: ۸۷). بر این اساس می‌توان چنین استنتاج نمود روشنفکران و رهبران فکری که دارای نفوذ اجتماعی هستند می‌توانند رویکردهایی اجتماعی سیاسی خود را به دیگران تسری دهند.

از طرف دیگر افزایش اطلاعات و همچنین تجربیات عملی، ارزیابی افراد از پدیده‌ها را دگرگون می‌سازد. لئون فستینگر معتقد است هنگامی که یک وضعیت فکری یا احساسی متعارض بین تعدادی از مقولات ادراکی وارد شود، ناهماهنگی شناختی^۴ رخ می‌دهد. این دوگانگی انسان را تحت فشار روانی قرار می‌دهد. به منظور مقابله با این مشکل سه نوع واکنش احتمالی بروز پیدا خواهد کرد:

-- تغییر گرایش یا رفتار پیشین،

-- جست‌وجوی اطلاعات جدیدی که از رفتار یا گرایش قبلی حمایت کند،

-- به حداقل رساندن اهمیت تضادی که ایجاد شده است (همان، ۹۱-۹۰).

نظریه تباین یا اختلاف^۵ همگام با نظریه ناهماهنگی شناختی بر این باور است که یکی از منابع اصلی تغییر گرایش، اختلاف میان موقعیت اولیه یعنی هدف مورد نظر و موقعیتی است که در خلال یک رابطه شکل گرفته است. در چنین شرایطی گرایش در معرض تغییر قرار می‌گیرد و هرچه شدت این تباین و اختلاف افزایش یابد، بر میزان فشار برای تغییر افزوده خواهد شد (همان، ۱۸۷).

1. persuasion

2. Karl Hovland

3. laboration likelihood model

4. cognitive dissonance

5. discrepancy

براساس مباحث یاد شده می‌توان گفت اگر انتظارات اولیه فرد در اثنا تحصیل در یک رشته برآورده نشود و از طرف دیگر اگر فرد در معرض اطلاعاتی قرار گیرد که برای او انتظارات مثبتی از جامعه‌شناسی ایجاد کند، در این صورت چنین فردی در شرایط تباین اندیشه‌ها و تجارب یا یک نوع ناهماهنگی شناختی قرار خواهد گرفت. در چنین وضعیتی بعید نیست که فرد با کاستن از انتظار فایده از رشته قبل و افزایش انتظار مثبت از تحصیل در رشته جدید به رفع ناهماهنگی شناختی و کشاکش‌های مرتبط با آن اقدام نماید. این فرایند زمانی تقویت خواهد شد که فرد در معرض ارتباط با صاحب‌نظران یا رهبران فکری قرار گیرد که آن‌ها نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سودمندی جامعه‌شناسی تأکید داشته باشند.

صرف نظر از مکانیزم نظری تبیین‌کننده گرایش به جامعه‌شناسی در سطح روان‌شناسی کنشگران انسانی، توجه به عواملی که در سطح میانی و کلان زمینه‌ساز شکل‌گیری انتخاب جامعه‌شناسی شده‌اند، حائز اهمیت می‌باشد. زیرا براساس پارادایم جامعه‌شناسی انتظارات، ترجیحات و گرایش‌های انسان دارای بنیادی اجتماعی است. از این رو به برخی از متغیرهای سطح کلان‌تر که در این مطالعه مجال سنجش آن‌ها وجود ندارد اما آن عوامل می‌توانند به‌طور غیرمستقیم بر ذهنیت و انتظارات افراد تأثیر گذاشته باشد، اشاره می‌شود:

توسعه رشته جامعه‌شناسی: در حال حاضر در اکثر دانشگاه‌های عمومی ایران اعم از دولتی و خصوصی رشته علوم اجتماعی در مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در زیرمجموعه‌های مختلف دایر می‌باشد. این شرایط موجب تدوین و ترجمه کتاب، انتشار مجلات تخصصی، انجام تحقیقات، برپایی نشست‌ها و همایش‌های متعدد شده است. افزون بر این بنیان‌گذاری انجمن جامعه‌شناسی (۱۳۷۰) و توسعه آن به عنوان مهم‌ترین تشکل صنفی جامعه‌شناسان ایران، در تحکیم موقعیت این رشته سهم به‌سزایی داشته است.

نیاز به برنامه‌ریزی اجتماعی: طی چند سال گذشته تأکید بر اهدافی مانند پیشرفت، سازندگی و توسعه، باعث شده نظام مدیریتی جامعه ایران به بهره‌مندی از توان فکری و کاربردی جامعه‌شناسان اقبال نماید. به این دلیل امروز بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌کوشند از دستاوردهای پژوهشی و مشاوره‌های کارشناسانه جامعه‌شناسان در جهت توصیف و تبیین وضعیت موجود و سازماندهی آن استفاده کنند.

شرایط در حال گذار جامعه: دور از انتظار نیست که شرایط در حال گذار جامعه ایران موجب گرایش به جامعه‌شناسی شده باشد. زیرا گرایش‌ها و انتخاب‌های افراد متأثر از شرایط اجتماعی هست که در آن به‌سر می‌برند. دورکیم معتقد است «یکی از اشکال آنومی زمانی بروز

پیدا می‌کند که قواعد هنجاری پیشین تضعیف می‌شوند و کارایی لازم برای نفوذ و تنظیم اجتماعی را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی مرز بین ممکن و غیرممکن، درست و نادرست، ادعاهای ناموجه و امیدهای موجه تخریب می‌شود. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که جامعه در یک بحران یا رشد ناگهانی قدرت و ثروت یا در یک دوره گذار قرار می‌گیرد» (مارکز، ۱۹۷۴: ۳۳۴-۳۳۳).

چلبی نیز با الهام از دورکیم اظهار می‌دارد «یکی از انواع عمده اختلال اجتماعی، اختلال هنجاری است. منظور او از اختلال هنجاری تقریباً همان چیزی است که دورکیم آنومی اجتماعی می‌نامد. وی معتقد است این شرایط که موجب تضاد هنجاری، ناپایداری هنجاری، بی‌هنجاری و دو قطبی شدن هنجاری است در کشورهای در حال توسعه عمدتاً از فرایند توسعه برون‌زا منتج می‌شود» (چلبی، ۱۳۷۵).

این وضعیت که ناشی از تضعیف شالوده‌های فرهنگی-اجتماعی گذشته و عدم استقرار الگوهای هنجاری جدید است به‌نوبه خود منشأ پیدایش دوگانه‌های فکری و مفاهیم اجتماعی جدیدی است. جامعه ایران به واسطه تجربه دوره گذار درگیر موضوعاتی مانند نسبت میان اسلامی بودن، ایرانی بودن و مدرن بودن، نسبت میان توسعه و توسعه‌نیافتگی، نسبت میان جهانی شدن و محلی‌گرایی، نسبت میان پذیرش یا رد تکثرگرایی دینی، نسبت میان حقوق زن و مرد است. طبیعی است که این موضوعات کنجکاوی فکری جوان امروز را برانگیخته می‌سازد. از آن‌جا که در مقایسه با رشته‌های دیگر، جامعه‌شناسی ظرفیت بیشتری برای به چالش کشیدن این مباحث دارد، تحصیل در این رشته می‌تواند کوششی سازمان‌یافته برای پاسخ‌گویی به این قبیل نیازها باشد.

ضعف نهادهای مدنی: طی چند سال گذشته مباحثی مانند گفت‌وگوی تمدن‌ها، جامعه مدنی، حقوق شهروندی، آزادی، عدالت، رفع تبعیض جنسی، مشارکت و مدارای اجتماعی در محافل روشنفکری ایران رواج قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. این فضای فکری نیاز به تضارب آراء و اندیشه‌ها را ایجاد می‌کند و تمایل به کسب بینش و توانایی تحلیل مسائل اجتماعی-سیاسی جامعه ایران را افزایش می‌دهد. اگر در یک جامعه احزاب، تشکلهای و نهادهای مردمی به‌طور فعال حضور داشته باشند، گرایش‌های مدنی از طریق عضویت در این تشکلهای و تبادل نظر درباره مسائل اجتماعی به‌طور طبیعی پاسخ داده خواهد شد. در صورت فقدان یا ضعف تشکلهای مدنی یکی از راه‌های کسب بینش اجتماعی، گفت‌وگو، مشارکت و نظارت بر امور اجتماعی می‌تواند تحصیل در رشته‌هایی باشد که به‌خاطر ماهیت موضوعی‌شان امکان پرداختن به این مباحث را فراهم می‌آورند.

مدرک‌گرایی: گاهی علاقه به تحصیلات دانشگاهی و انتخاب رشته تحت تأثیر فشار هنجاری صورت می‌گیرد. «در جامعه مدرک‌گرا انتخاب رشته‌های خاص وسیله‌ای برای دستیابی به منزلت و مقبولیت اجتماعی و صعود از نردبان ترقی است» (رفعی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۱۸). «رندال کولینز (Collins, 1979) نیز جامعه آمریکا را یک جامعه مدرک‌گرا می‌نامد، یعنی جامعه‌ای که در آن بیش از محتوا به دستاوردهای آموزشی اهمیت داده می‌شود. از نظر او این واقعیت که دانشجویان در جامعه آمریکا به رشته‌هایی مانند مدیریت و علوم کامپیوتری توجه نشان می‌دهند مصداق رقابت به‌خاطر قدرت یا ثروت است» (نقل از رابرتسون، ۱۳۷۲: ۳۶۶). ممکن است داشتن مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی نه به دلیل محتوای علمی، بلکه به‌خاطر سهولت پذیرفته شدن در آزمون ورودی و امتیازاتی که از این مجرا ایجاد می‌کند حائز اهمیت شده باشد.

نیازهای شناختی و هویتی: گاهی انسان‌ها نیازمند کسب دانش هستند تا از طریق آن بتوانند به بسط آگاهی در مورد خویش نائل شوند، بتوانند درون خویش را بکاوند و به این پرسش که چه کسی هستند، پاسخ دهند. این قبیل نیازها به‌خصوص در دنیای کنونی که دائم در حال تغییر است بیشتر بروز پیدا می‌کند. زیرا «انسان مدرن در طی زندگی خود جابه‌جایی زیست جهان‌های مختلف را تجربه می‌کند. زندگی مدرن تجربه چندگانگی را ذاتی آگاهی فرد می‌سازد» (محدثی، ۱۳۸۶: ۸۸). گیدنز نیز، معتقد است «هویت انسان خاصیت بازاندیشانه دارد. روایت ما از هویت شخصی مان در پیوند با اوضاع به سرعت در حال تغییر زندگی اجتماعی در سطح محلی و جهانی تکوین می‌یابد، تغییر می‌کند و به‌طور تأملی حفاظت می‌شود.» (به نقل از کسل، ۱۳۸۳: ۴۷۲ - ۴۷۱).

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی جامعه‌شناسی می‌تواند تأمین‌کننده بخشی از نیازهای هویتی افراد باشد. زیرا «تفکر جامعه‌شناسی حساسیت و بردباری انسان را در برابر تنوع و گوناگونی افزایش می‌دهد، به فهم ما دقت و وضوح می‌بخشد و چشم ما را بر حوزه‌های جدیدی که فراتر از تجربه مستقیم است، باز می‌کند به‌طوری که می‌توان اقتضائات انسانی را که پیش از این از دیدمان مغفول مانده بود، کشف کرد. انسان مجهز به چنین دانشی رابطه میان عمل اجتماعی و شرایط اجتماعی را می‌شناسند و می‌دانند امور مقاوم در برابر تغییر، چگونه ممکن است تغییر پیدا کنند» (بومان و مای، ۲۰۰۱: ۱۱).

با تکیه بر مجموع نظرات یادشده می‌توان گفت انتخاب رشته جامعه‌شناسی تابعی است از:
-- ارزیابی انتقادی از تحصیل در رشته قبلی،
-- آگاهی و شناخت از مختصات رشته جامعه‌شناسی،

-- تأثیرپذیری از دیگران قابل اعتماد و مهم،
 -- شکل‌گیری انتظارات مثبت از سودمندی تحصیل در رشته جامعه‌شناسی.
 انتظارات مثبت از جامعه‌شناسی ممکن است حاصل شکل‌گیری نیازهای شناختی و هویتی، اعتقاد به ضرورت اصلاح و برنامه‌ریزی اجتماعی از طریق جامعه‌شناسی، رشد گرایش‌های مدنی و ضعف نهادهای مدنی در جامعه، فضای اجتماعی موجود در یک جامعه در حال گذار و در نهایت به دلیل سودمندی‌های عملی تحصیل در این رشته باشد.

۳. روش‌شناسی

این مطالعه با روش پیمایشی و با رویکردی اکتشافی انجام شده است. به این معنا که به جای آزمون مجموعه‌ای از فرضیات از پیش طراحی شده، شناسایی و آکاوی ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه مدنظر بوده است. به عبارت دیگر نویسنده در صدد است مشخص سازد دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر چرا و چگونه به رشته جامعه‌شناسی علاقمند شده‌اند و در حال حاضر در ارتباط با جامعه‌شناسی دارای چه نظرات و جهت‌گیری‌هایی هستند.
 پرسش‌ها و مفاهیم تحقیق: موضوع مورد بررسی در چند بخش شامل وضعیت تحصیلی افراد قبل از ورود به جامعه‌شناسی، نگرش افراد هنگام انتخاب جامعه‌شناسی و نگرش کنونی افراد نسبت به جامعه‌شناسی قابل تفکیک است. متغیرها و معرف‌های مربوطه در جدول شماره ۲ منعکس شده است.

جدول ۲. متغیرها و تعاریف عملیاتی آنها

مقولات مورد بررسی	معرف‌های درجه ۱	معرف‌های درجه ۲
وضعیت تحصیلی افراد پیش از انتخاب جامعه‌شناسی	۱. وضعیت تحصیلی در رشته قبل	نوع رشته، رتبه فرد هنگام انتخاب رشته، معدل تحصیلی
	۲. نگرش نسبت به رشته قبل	دلایل انتخاب رشته قبل، ارزیابی از ویژگی‌های رشته، زمان کاهش علاقه و مصمم شدن برای تغییر رشته
نگرش افراد هنگام انتخاب جامعه‌شناسی	۱. میزان شناخت از جامعه‌شناسی (آگاهی)	میزان و نوع شناخت نسبت به جامعه‌شناسی
	۲. میزان تأثیرپذیری از دیگران مهم (هنجارهای ذهنی)	تأثیرپذیری از روشنفکران، اعضای خانواده، اقوام و دوستان در جهت علاقه‌مند شدن به جامعه‌شناسی
	۳. انتظار فایده از جامعه‌شناسی (گرایش)	سودمندی‌های مادی، رفع نیازهای شناختی و هویتی، وجود گرایش‌های مدنی، باور به ضرورت مهندسی اجتماعی
نگرش فعلی افراد نسبت به جامعه‌شناسی	۱. ارزیابی از جامعه‌شناسی	ارزیابی از دستاوردها و ثمرات تحصیل در جامعه‌شناسی، رضایت از تحصیل جامعه‌شناسی، احتمال توصیه جامعه‌شناسی به دیگران
	۲. مشکلات تحصیل در جامعه‌شناسی	مشکلات آموزشی، پژوهشی، شغلی، ارتباطی

جمعیت تحقیق: جمعیت تحقیق شامل افرادی است که در مقطع کارشناسی دانش‌آموخته رشته‌هایی دیگر بوده‌اند اما در مقطع کارشناسی ارشد یا دکترا به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی و پژوهش علوم اجتماعی پرداخته‌اند، اعم از این که در زمان تحقیق دانشجو بوده یا فارغ‌التحصیل شده باشند.^۱

دامنه تحقیق و شیوه انتخاب افراد: دامنه تحقیق شامل کلیه دانشگاه‌های دولتی است که در آنجا مقطع کارشناسی ارشد و دکترا رشته جامعه‌شناسی و پژوهش اجتماعی دایر می‌باشد. از آنجا که تعداد افراد در مقطع تحصیلات تکمیلی جامعه‌شناسی به‌طور نسبی محدود است، بنابراین از دست دادن تعدادی از آن‌ها در قالب روش نمونه‌گیری موجه به‌نظر نمی‌رسید. به این دلیل در انتخاب افراد مورد نظر از روش تمام شماری -- و نه نمونه‌گیری -- استفاده شده است. از همکاران تحقیق تقاضا شد ضمن مراجعه به دفاتر گروه‌های جامعه‌شناسی یا علوم اجتماعی دانشگاه‌های مختلف افرادی را که در زمان گردآوری اطلاعات دانشجو بوده یا تحصیل آن‌ها به اتمام رسیده اما امکان تماس با آن‌ها وجود داشت، شناسایی نمایند. بر این اساس در مجموع ۱۲۵ نفر (از دانشگاه اصفهان ۹ نفر، الزهراء ۱۳ نفر، امام خمینی ۶ نفر، بابلسر ۳ نفر، تبریز ۲ نفر، تربیت مدرس ۱۰ نفر، تربیت معلم ۹ نفر، تهران ۱۴ نفر، رشت ۲ نفر، شهید بهشتی ۹ نفر، شیراز ۶ نفر، علامه طباطبایی ۱۵ نفر، فردوسی مشهد ۱۱ نفر، کرمان ۵ نفر، همدان ۵ نفر) مورد مصاحبه قرار گرفتند.

ابزار و شیوه گردآوری اطلاعات: اطلاعات تحقیق با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه حضوری در بهار ۱۳۸۷ گردآوری شده است. در مواردی که افراد در دانشگاه حضور نداشتند پرسشگر به محل مورد نظر پاسخگو مراجعه و مصاحبه را آنجا به انجام رسانده است. برای برخی از افراد نیز پرسشنامه از طریق پست الکترونیک ارسال شد.

اعتبار و روایی سنجها: افرادی که از رشته‌های دیگر به جامعه‌شناسی مهاجرت کرده‌اند، دارای جمعیت بزرگی نیستند. بنابراین اگر به‌منظور بررسی آزمون روایی و پایایی سنج‌های تحقیق نمونه‌ای ۳۰ نفره مورد مطالعه مقدماتی قرار می‌گرفت، بخشی از جمعیت قلیل تحقیق در مرحله تحقیقات اولیه ریزش پیدا می‌کرد. از این رو پرسشنامه برای ۷ نفر از اساتید و پژوهشگران

۱. لازم به ذکر است هرچند سایر رشته‌هایی که در زیر مجموعه علوم اجتماعی قرار می‌گیرند مانند مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان، مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی نیز مورد اقبال دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر هستند اما از آنجا که اهداف، برنامه‌ها و محتوای علمی دو رشته جامعه‌شناسی و پژوهش اجتماعی با جریان اصلی حاکم بر جامعه‌شناسی ایران سنخیت بیشتری دارد، از این رو به‌نظر می‌رسد جست‌وجو دلایل گرایش افرادی که این دو رشته را انتخاب کرده‌اند مناسب‌تر باشد. موقعیت جامعه‌شناسی ایران دارد.

جامعه‌شناسی و ۵ نفر از افرادی که رشته قبلی شان جامعه‌شناسی نبود فرستاده شد و اصلاحات لازم براساس نظرات آنان انجام شد. همچنین به منظور افزایش اعتبار اطلاعات، تلاش شد در هر دانشگاه مصاحبه‌ها توسط یکی از دانشجویان همان دانشگاه انجام شود.

۴. یافته‌ها

از نظر ترکیب جنسی ۳۲/۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان زن و ۶۷/۵ درصد مرد بودند و از نظر وضعیت تأهل، ۵۱ درصد متأهل و ۴۹ درصد مجرد بوده‌اند. ۶۱ درصد از پاسخ‌گویان شاغل و مابقی غیر شاغل بوده‌اند. ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان در یکی از دانشگاه‌های مستقر در شهرستان تهران و ۳۵ درصد در دانشگاه‌های سایر مناطق کشور تحصیل می‌کردند. از نظر وضعیت تحصیلی ۸۸ درصد از افراد مورد مطالعه، دانشجوی کارشناسی ارشد یا فارغ‌التحصیل آن مقطع و ۱۲ درصد دانشجوی دکترا یا فارغ‌التحصیل آن مقطع بوده‌اند. ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان در رشته جامعه‌شناسی و ۳۰ درصد در رشته پژوهش علوم اجتماعی تحصیل کرده‌اند. هنگام انتخاب رشته جامعه‌شناسی یا پژوهش علوم اجتماعی ۳۵ درصد از افراد با رتبه‌های ۱-۲۰ پذیرفته شده بودند. میانگین رتبه پاسخ‌گویان ۵۰ است. معدل آخرین ترم تحصیلی دانشجویان و معدل کل دانش‌آموختگان حدود ۱۷ می‌باشد.

۴-۱. وضعیت پاسخ‌گویان قبل از انتخاب جامعه‌شناسی

رشته تحصیلی قبلی و انگیزه انتخاب آن: نسبت دانشجویان در رشته‌های علوم پایه ۳۲ درصد، در رشته‌های فنی مهندسی ۲۳ درصد، در علوم پزشکی ۸ درصد، در علوم کشاورزی ۶/۶ درصد و در هنر ۱ درصد بوده است. رشته‌های علوم انسانی شامل زبان‌های داخلی و خارجی ۲۰ درصد نمونه و رشته‌های علوم اجتماعی عام شامل اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی، روان‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، فلسفه، علوم تربیتی ۱۰ درصد جمعیت تحقیق را تشکیل می‌دادند. تفکیک رشته‌ها به دو گروه علوم انسانی-اجتماعی و غیر علوم انسانی-اجتماعی نشان می‌دهد که ۷۱ درصد از پاسخ‌گویان از رشته‌های گروه دوم که دارای زمینه‌های فکری و مطالعاتی بسیار متفاوت از علوم انسانی-اجتماعی می‌باشند به جامعه‌شناسی آمده‌اند. میانگین معدل دانشجویان در رشته قبل ۱۵ بوده است. البته با توجه به این‌که معیارهای ارزشیابی در رشته‌ها و دانشگاه‌های مختلف متفاوت است، نمی‌توان در مورد معدل افراد با اطمینان قضاوت کرد.

به منظور شناسایی دقیق تردیدگاه پاسخ‌گویان از آن‌ها سؤال شد چرا رشته قبلی خود را انتخاب کرده بودند. فقط ۳۵٪ از پاسخ‌گویان اظهار کردند که براساس علاقه شخصی خود به

انتخاب پرداخته‌اند. در سایر موارد دلایل دیگری که ارتباط مستقیمی با علاقه فرد نداشته مانند تصادفی و بی‌برنامه بودن (۱۳٪)، امکان یافتن شغل و کسب درآمد (۱۲٪)، نداشتن رتبه کافی برای انتخاب رشته‌های دیگر و صرف تمایل به ورود به دانشگاه (۷٪)، اجبار خانواده یا جو فرهنگی جامعه (۶٪)، توصیه دیگران (۳٪) و در نهایت فرار از سربازی (۲٪) مؤثر بوده است. علاقه به رشته اولیه و ارزیابی از آن: از نظر میزان علاقه به رشته قبلی توزیع پاسخ‌ها در سه طبقه کم (۳۰٪)، متوسط (۳۲/۵٪) و زیاد (۳۷/۵) تقریباً مشابه است. علاوه بر بررسی میزان علاقه، ارزیابی کلی پاسخ‌گویان از رشته قبلی شان براساس ارائه تعدادی از صفت‌ها و نظرخواهی درباره آن‌ها انجام شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۶۱ درصد از پاسخ‌گویان امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، ۵۸ درصد احتمال یافتن شغل تخصصی، ۵۰ درصد خوشنامی و ۴۶ درصد امکان پولساز بودن رشته قبلی خود را در حد بالا یا زیاد ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت رشته قبلی دانشجویان از نظر شغل‌یابی، ارتقای اجتماعی، کسب منزلت اجتماعی و درآمدزا بودن در حد قابل قبولی اقبال‌کننده بوده است. اما میزان میانگین‌ها در مورد مقولاتی مانند هماهنگی رشته با علاقه، تنوع، جذابیت و کاربردی بودن مباحث علمی رشته نسبت به سایر مقولات در سطح نازل‌تری قرار دارد.

جدول ۳. ارزیابی پاسخ‌گویان از رشته قبلی شان (تعداد=۱۲۵)

میانگین (۱-۴)	تعداد	طبقات پاسخ‌٪				ویژگی‌ها
		زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۲/۶	۱۳۲	۶۱	۲۵	۱۰	۴	۱. امکان ادامه تحصیل در مراتب بالاتر
۲/۵	۱۳۳	۵۸	۱۸	۱۸	۵	۲. امکان یافتن شغل تخصصی
۲/۴	۱۲۱	۴۶	۲۶	۲۰	۸	۳. پول‌ساز بودن رشته
۲/۳	۱۳۳	۴۹	۲۶	۲۰	۵	۴. خوشنامی رشته در جامعه
۲/۳	۱۲۲	۴۸	۳۰	۱۷	۴	۵. دسترسی به منابع آموزشی و مطالعاتی
۲/۲	۱۴۲	۳۰	۱۹	۳۹	۱۲	۶. انتزاعی بودن مباحث
۲/۲	۱۲۲	۲۱	۴۲	۳۱	۵	۷. دسترسی به تجهیزات پژوهشی
۲/۲	۱۴۱	۳۳	۳۸	۲۳	۶	۸. هماهنگی با استعدادها و توانایی‌ها
۲/۲	۱۲۲	۳۹	۳۶	۲۰/۵	۴	۹. دشواری و پیچیدگی محتوای درس‌ها
۲/۲	۱۳۲	۴۲	۳۸	۱۹	۱	۱۰. تنوع موضوعات مورد مطالعه
۲/۱	۱۳۳	۳۳	۴۲	۲۱	۴	۱۱. کارایی اساتید از نظر علمی
۲/۱	۱۳۳	۴۰	۳۰	۲۷	۳	۱۲. کاربردی بودن درس‌ها
۲/۱	۱۳۳	۳۴	۲۸	۲۴	۳	۱۳. جذابیت موضوعات
۲/۵	۱۱۷	۱۴	۲۷	۳۹	۱۰	شاخص کل ارزیابی مثبت از رشته Alpha = ۶۷٪

شاخص کل ارزیابی از رشته که از ترکیب مؤلفه‌های یاد شده به دست آمده و معرف میزان رضایت از رشته می‌باشد نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان از رشته قبلی خود ارزیابی چندان مثبتی نداشته‌اند و ۱۴ درصد از آن‌ها ارزیابی‌شان مثبت بوده است.

کاهش علاقه به رشته قبل: به این منظور از پاسخ‌گویان سؤال شد چه وقت تصمیم گرفتید رشته تحصیلی‌تان را تغییر دهید؟ در پاسخ به این پرسش ۱۰ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کردند از همان ابتدای تحصیل، ۴۹ درصد در اواسط سال‌های تحصیل، و ۴۰ درصد پس از پایان تحصیل عزم تغییر رشته کردند. در واقع می‌توان گفت حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌گویان پس از داشتن فرصت کافی برای تجربه و ارزیابی رشته قبل تصمیم به تغییر گرفته‌اند. این واقعیت نشانه آن است که تصور اولیه افراد هنگام انتخاب رشته بیشتر تحت تأثیر خانواده و مدرسه که از یک سو مبتنی بر ارزش‌گذاری مبالغه‌آمیز بر رشته‌های فنی و پزشکی، و از سوی دیگر ضعف نظام مشاوره در سطح آموزش متوسطه و عدم شناخت کافی نسبت به قابلیت‌های سایر رشته‌ها می‌باشد شکل گرفته است. اما پس از کسب تجربه عینی و عملی در مورد آن رشته و اطلاع یافتن از ظرفیت‌های محتوایی رشته‌های دیگر فرایند ناهماهنگی شناختی تحقق پیدا می‌کند و در این شرایط گرایش فرد در معرض تغییر قرار می‌گیرد.

۴-۲. نگرش افراد هنگام انتخاب جامعه‌شناسی

برای شناسایی زمینه‌های انتخاب رشته جامعه‌شناسی شیوه آشنایی با جامعه‌شناسی، دلایل انتخاب جامعه‌شناسی و برخی دیگر از ویژگی‌های مرتبط به آن بررسی شده است.

شیوه آشنایی با جامعه‌شناسی: به این منظور از پاسخ‌گویان سؤال شد که چگونه با جامعه‌شناسی آشنا شدند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مطالعه مجلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی (میانگین ۳/۲) در رتبه اول، مطالعه رمان‌ها و کتاب‌های ادبی (میانگین ۲/۷) در رتبه دوم، مطالعه کتاب‌ها و مجلات تخصصی جامعه‌شناسی (میانگین ۲/۶) در رتبه سوم قرار دارند. در واقع باید گفت آثاری که در خارج از چارچوب رسمی و آکادمیک علوم اجتماعی تولید شده در مقایسه با ادبیات تخصصی جامعه‌شناسی، نقش بیشتری در اطلاع‌رسانی نسبت به جامعه‌شناسی داشته است.

ارتباط و گسست‌وگو با دانشجویان رشته جامعه‌شناسی (میانگین ۲/۴) و با اساتید جامعه‌شناسی (میانگین ۲/۱) در مرتبه چهارم و پنجم قرار دارد. ضعیف‌ترین موارد به نقش رادیو تلویزیون (میانگین ۲)، شرکت در جلسات دفاعیه، سخنرانی‌ها و همایش‌های جامعه‌شناسی (با میانگین ۱/۵)، مطالعه کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی در دبیرستان (با

میانگین ۱/۵) اشاره دارد. از ترکیب مجموع مؤلفه‌های یادشده شاخص کل میزان مطالعه و آگاهی نسبت به جامعه‌شناسی به دست آمد. میانگین شاخص مربوطه ۲/۵ از ۴ می‌باشد. نقش دیگران مهم: همان‌طور که پیش از این اشاره شد پذیرش نوآوری مستلزم دخالت یک مکانیسم نفوذ شخصی است (بودون، ۱۳۶۴: ۱۴۶). در واقع اگر بتوان پذیرفت که انتخاب جامعه‌شناسی برای فردی که در رشته دیگر تحصیل می‌کرده یک امر نوآورانه محسوب شود، در این صورت می‌توان انتظار داشت این فرایند از طریق تأثیرپذیری از فرد یا افراد صاحب نفوذ شکل گرفته باشد. به این منظور دو نوع پرسش زیر مطرح شد:

--- ابتدا از پاسخ‌گویان سؤال شد که از بین روشنفکران اجتماعی - سیاسی ایرانی آیا فرد خاصی در علاقه‌مندی شما به جامعه‌شناسی تأثیر داشته است؟ ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان به این سؤال پاسخ مثبت دادند. سپس از آن‌ها تقاضا شد نام افراد مورد نظر خود را ذکر نمایند. پاسخ‌های ارائه شده در دو گروه دسته اول اندیشمندان و روشنفکرانی که خارج از حوزه جامعه‌شناسی رسمی قرار دارند و دسته دوم اندیشمندان و جامعه‌شناسانی که در چارچوب نظام دانشگاهی به فعالیت می‌پردازند، قابل دسته‌بندی است.

از بین افراد گروه اول که ۶۵ درصد انتخاب‌ها را به خود اختصاص می‌دهند به ترتیب به علی شریعتی، عبدالکریم سروش، مرتضی مطهری، جلال آل احمد، احسان نراقی، داریوش آشوری، احمد شاملو، سیدمحمد خاتمی، مصطفی ملکیان، مجتهد شستری، علیرضا علوی تبار و بابک احمدی اشاره شده است. ۳۵ درصد باقیمانده به اساتید جامعه‌شناسی مربوط است که به دلیل پرهیز از جانبداری از ذکر نام آن‌ها پرهیز می‌شود. این یافته با یافته‌های قبل مبنی بر این‌که روشنفکران غیردانشگاهی نقش بیشتری در ایجاد علاقه نسبت به جامعه‌شناسی داشته‌اند، هماهنگ است.

از بین افراد گروه اول، شریعتی با کسب ۳۰ درصد از آراء با فاصله زیادی از نفرات بعد در رتبه اول قرار دارد. به نظر می‌رسد نقش شریعتی در آشناسازی و علاقه‌مند ساختن افراد به جامعه‌شناسی به دوره قبل از انقلاب محدود نمی‌شود، بلکه این تأثیر تا زمان کنونی همچنان استمرار دارد.

دومین فرد مورد اشاره سروش است. وی طی دو دهه گذشته با تکیه بر یک رویکرد فلسفی - اجتماعی به ترجمه یا تدوین آثار متعددی هم‌چون علم چیست فلسفه چیست (۱۳۵۷)، قبض و بسط تئوریک شریعت (۱۳۶۹)، فربه‌تر از ایدئولوژی (۱۳۷۲)، تبیین در علوم اجتماعی (۱۳۷۳) و درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع (۱۳۷۴) پرداخته است. این آثار به همراه دیگر آثاری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مباحث فلسفی - اجتماعی مربوط است در شکل‌گیری بخشی از ادبیات جامعه‌شناسی (به‌خصوص در حوزه روش‌شناسی) در ایران سهم مؤثری داشته است. صرف‌نظر از داوری درباره صحت و سقم اندیشه‌های سروش، نمی‌توان

منکر این واقعیت شد که در سال‌های گذشته تفکرات وی در زمینه مناسبات بین دین و جامعه منشأ چالش‌های جدیدی شده است و در جلب توجه افراد نسبت به مباحث اجتماعی مؤثر بوده است. در مرحله بعد در مورد میزان تأثیرپذیری از فرد مورد اشاره (دیگری مهم) سؤال شد. حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند که در حد زیاد یا خیلی زیاد تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های روشنفکرانی بوده‌اند که از آن‌ها نام برده‌اند.

سپس شیوه تأثیرپذیری از روشنفکران اجتماعی - سیاسی بررسی شد. به این منظور از پاسخ‌گویان سؤال شد چگونه با افکار او (یا آن‌ها) آشنا شدید. اطلاعات به دست آمده به ترتیب به مطالعه آثار مکتوب آن‌ها ۶۰٪، شرکت در سخنرانی‌ها و گردهمایی‌ها ۱۳٪، شنیدن نوارهای سخنرانی ۱۱٪، شرکت در کلاس درس افراد مورد نظر ۷٪، رسانه‌های جمعی ۷٪، دوستان ۶٪ خانواده ۳٪ و فعالیت‌های دانشگاهی یا همکاری با سازمان‌های غیردولتی ۲٪ اشاره دارد. در واقع پاسخ‌گویان صرفاً بر مبنای یک گرایش عاطفی تحت تأثیر روشنفکران نبوده‌اند بلکه این فرایند بر مبنای تعامل فکری و آگاهی از نقطه‌نظرات آن اندیشمندان به صورت تدریجی شکل گرفته است. غیر از روشنفکران اجتماعی - سیاسی نقش افراد دیگر از جمله دوستان، اساتید جامعه‌شناسی، اساتید رشته قبل، والدین، خواهر یا برادر که می‌توانستند نقش دیگران مهم را ایفا کنند، نیز مورد سؤال قرار گرفت. مقایسه میانگین‌ها در هر دو مورد نشان می‌دهد که از بین موارد ذکر شده دوستان هم در علاقه‌مند ساختن فرد به جامعه‌شناسی (۶۱٪) و هم در تصمیم‌گیری برای انتخاب آن دارای بیشترین (۵۵٪) نقش بوده‌اند. در مقابل والدین فقط در ۶ درصد از موارد در علاقه‌مندی و فقط در ۳ درصد از موارد در فرایند تصمیم‌گیری افراد تأثیر داشته‌اند.

در همین راستا از پاسخ‌گویان سؤال شد نظر والدین تان در مورد تغییر رشته تحصیلی شما چه بود؟ فقط ۱۶ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کردند که والدین آن‌ها موافق تصمیم‌شان بوده‌اند، ۲۴ درصد دیگر والدین‌شان بی‌نظر و ۶۰ درصد نیز مخالف بوده‌اند. به عبارت دیگر، تعداد قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌گویان علی‌رغم مخالفت والدین‌شان به تغییر رشته تحصیلی مبادرت ورزیده‌اند. براساس این یافته شاید بتوان گفت هرچند که هنگام انتخاب رشته در اولین مقطع تحصیلی فرزندان ترجیحات والدین نقش تعیین‌کننده‌ای داشته، اما احتمالاً در سال‌های بعد یعنی در جریان تغییر رشته قبل و انتخاب رشته جدید، دوستان جایگاه مهم‌تری پیدا کرده‌اند. این نکته این باور عمومی را تأیید می‌کند که رفتار جوانان تا حد زیادی تحت نفوذ رابطه با دوستان‌شان شکل می‌گیرد.

به منظور بررسی دقیق‌تر نقش دوستان از پاسخ‌گویان سؤال شد آیا از بین دوستان شما کسی بوده که او هم مثل شما تمایل داشته باشد رشته تحصیلی خود را تغییر بدهد؟ ۸۰٪ از

پاسخ‌گویان به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند. در تأیید گمانه فوق و با الهام از اندیشه فیش باین و آیزن می‌توان گفت گرایش دوستان به تغییر رشته در آماده کردن هنجارهای ذهنی پاسخ‌گویان در مورد تغییر رشته بی‌تأثیر نبوده است.

اطلاعات یادشده نشان داد ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان به صراحت اعلام کرده‌اند که به‌واسطه تأثیرپذیری از یکی از روشنفکران ایرانی، به جامعه‌شناسی گرایش پیدا کرده‌اند. حدود ۶۰ درصد از افراد اظهار کرده‌اند که دوستان آن‌ها در علاقه‌مندی آن‌ها به جامعه‌شناسی و در فرایند تصمیم‌گیری آنان مؤثر بوده‌اند. بنابراین گمانه مربوط به تأثیرپذیری از دیگران مهم هم در مورد روشنفکران و هم در مورد دوستان تأیید می‌شود.

انتظار فایده از جامعه‌شناسی

پیش از این به این نکته اشاره شد که احتمال دستیابی به نتایج سودمند از یک اقدام که از آن تحت‌عنوان انتظار فایده یاد می‌شود در گرایش نسبت به آن پدیده دخالت دارد. در مطالعه حاضر برای سنجش انتظار فایده از چند معیار استفاده شده است. ابتدا در قالب یک سؤال باز از مشارکت‌کنندگان در تحقیق سؤال شد چه چیز باعث شد رشته جامعه‌شناسی را انتخاب کنید؟ طبقه‌بندی پاسخ‌ها به ترتیب زیر است:

-- علاقه‌مندی به رشته جامعه‌شناسی ۴۳٪،

-- علاقه‌مندی به شناخت جامعه و اعتقاد به سودمندی جامعه‌شناسی در خدمت اصلاح اجتماعی ۲۴٪،

-- پیشینه مطالعات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ۱۴/۵٪،

-- نارضایتی از رشته قبل ۹٪،

-- توصیه خانواده و دوستان ۹٪،

-- فرار از سربازی، کسب درآمد، عدم امکان قبولی در رشته‌های دیگر ۷٪.

سپس از آن‌ها سؤال شد اگر رشته جامعه‌شناسی پذیرفته نمی‌شدید حاضر بودید آن‌قدر امتحان بدهید، تا بالأخره قبول شوید؟ ۷۸ درصد یعنی سه چهارم از پاسخ‌گویان به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند. تلاش مصرانه و مکرر برای پذیرفته شدن در جامعه‌شناسی می‌تواند معرف شدت انتظار مثبت از این رشته باشد.

در مرحله بعد به منظور درک بهتر منطق انتخاب افراد و وارد شدن در لایه‌های عمیق‌تر اندیشه و گرایش آن‌ها دیدگاه پاسخ‌گویان در قالب مجموعه‌ای از عبارات‌ها که معطوف به شناسایی انتظار فایده از جامعه‌شناسی بود، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده را که در جدول شماره ۴ منعکس می‌باشد، می‌توان به ترتیب زیر خلاصه نمود:

-- کم‌ترین یا ضعیف‌ترین انتظار فایده از جامعه‌شناسی: برای ۸۶ درصد از پاسخ‌گویان معیار کسب درآمد، برای ۸۱ درصد از افراد سهولت درک جامعه‌شناسی و برای ۶۲ درصد از مشارکت‌کنندگان کسب اعتبار و وجهه اجتماعی دارای کمترین اهمیت بوده است. به این ترتیب می‌توان گفت معیارهایی که بیشتر مبتنی بر سودمندگرایی عملی برای دستیابی به اهداف است، در مقایسه با عوامل دیگر سهم اندکی در گرایش به جامعه‌شناسی داشته است.

-- بیشترین یا قوی‌ترین انتظار فایده از جامعه‌شناسی: نیاز به یک حوزه فکری گسترده‌تر، کنجکاوی در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی، علاقه‌مندی به شناخت تحولات زمان و توانایی موضع‌گیری مناسب در برابر رویدادهای اجتماعی - سیاسی برای اکثریت قریب به اتفاق یعنی ۶۴ - ۸۲ درصد از پاسخ‌گویان در حد خیلی زیاد و زیاد حائز اهمیت بوده است.

جدول ۴. انتظار فایده از جامعه‌شناسی (تعداد=۱۲۵)

انتظارات	طبقات پاسخ٪			میانگین (۱-۵)
	خیلی کم/کم	متوسط	خیلی زیاد/زیاد	
۱. امکان پذیرفته شدن من در جامعه‌شناسی بیش از رشته قبلی‌ام بود	۶۶	۱۵/۵	۱۸/۵	۲
۲. فکر می‌کردم رشته جامعه‌شناسی اعتبار آدم را زیاد می‌کند	۶۲/۳	۲۹	۹/۷	۲
۳. فکر کردم رشته جامعه‌شناسی از رشته قبلی‌ام ساده‌تر باشد	۸۱	۸	۱۱	۱/۶
۴. به نظر می‌رسید بازار کار جامعه‌شناسی بهتر از رشته قبلی‌ام باشد	۸۶/۲	۷/۳	۶/۵	۱/۴
۵. من به یک حوزه فکری گسترده‌تر از رشته قبلی خودم نیاز داشتم	۹	۹	۸۲	۴
۶. احساس می‌کردم استعداد و توانایی من با جامعه‌شناسی تناسب بیشتری دارد	۱۵	۱۴	۷۱	۳/۸
۷. رشته قبلی من بیشتر یک فن را می‌آموخت اما جامعه‌شناسی مهارت زندگی در یک دنیای پیچیده را به آدم می‌دهد	۲۵/۵	۲۱	۵۳/۵	۳/۸
۸. در جامعه‌شناسی امکانات بیشتری برای پژوهش وجود دارد	۲۴	۳۱	۵۵	۳/۵
۹. تصور می‌کردم با دانستن جامعه‌شناسی بهتر می‌توانم به کاهش مشکلات جامعه کمک کنم	۱۹	۲۱	۵۷	۳/۶
۱۰. فکر می‌کردم با آموختن جامعه‌شناسی بهتر می‌توانم به توسعه جامعه‌ام کمک کنم	۲۵	۲۱/۵	۵۳/۵	۳/۴
۱۱. فکر کردم جامعه‌شناسی می‌تواند پاسخ‌گوی کنجکاوی‌های من در مورد مسائل اجتماعی - سیاسی زمان‌ام باشد	۶	۱۱/۵	۸۲/۵	۴/۳
۱۲. دوست داشتم جامعه‌شناسی بخوانم تا بهتر بتوانم تحولات دوران معاصر را تحلیل کنم	۴	۱۴	۸۲	۴/۲
۱۳. فکر می‌کردم با دانستن جامعه‌شناسی بهتر می‌توانم در برابر رویدادهای اجتماعی - سیاسی موضع‌گیری کنم	۱۲	۳۴	۶۴	۴/۱
کل انتظار فایده از جامعه‌شناسی $\alpha = 72\%$	۰/۷	۷۰/۵	۲۲/۵	۳/۳

--- ارقام مربوط به شاخص کل انتظار فایده از جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در مجموع نسبت افرادی که انتظار فایده جامعه‌شناسی را در حد زیاد و خیلی زیاد (۲۲٪) ارزیابی کرده‌اند بیش از افرادی است که در حد کم و خیلی کم (۷٪) ارزیابی کرده‌اند. ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان فایده تحصیل در رشته جامعه‌شناسی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

به منظور برآورد دقیق‌تر انتظارات پاسخگویان از جامعه‌شناسی یک بار تمام مواردی که در جدول ۴ به آن‌ها اشاره شد از طریق تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده که در جدول ۵ منعکس می‌باشد نشان می‌دهد که کل انتظارات در دو عامل قابل دسته‌بندی هستند. عامل اول را که بیشتر به مدرک‌گرایی، کسب منزلت و درآمد مربوط است با اندکی تسامح می‌توان انتظارات ابزاری و مادی‌گرایانه نام‌گذاری کرد. عامل دوم را که بیشتر بازنمای نیازهای معرفتی، دغدغه‌های مدنی برای مشارکت در عرصه جامعه است می‌توان با عنوان انتظارات شناختی و مدنی تفکیک نمود. علاوه بر این تفاوت بارز میانگین‌ها در دو عامل درستی تمایز آن‌ها از یکدیگر را تأیید می‌کند.

جدول ۵. تحلیل عاملی انتظارات از جامعه‌شناسی (تعداد = ۱۲۵)

	انتظارات	
	عامل اول	عامل دوم
تأمین نیازهای ابزارگرایانه	۰/۸۴	۱. سهولت پذیرفته شدن در آزمون ورودی
	۰/۷۹	۲. آسان بودن درس‌ها در جامعه‌شناسی
	۰/۴۹	۳. کسب اعتبار و منزلت
	۰/۴۸	۴. امکان یافتن شغل یا منابع اقتصادی
تأمین نیازهای شناختی و مدنی	۰/۷۳	۵. کنجکاوی در مورد مسائل اجتماعی-سیاسی
	۰/۷۱	۶. نیاز به تحلیل تحولات دوران معاصر
	۰/۶۸	۷. کمک به توسعه و پیشرفت جامعه
	۰/۶۴	۸. کمک به کاهش مشکلات جامعه
	۰/۶۱	۹. نیاز به یک حوزه فکری گسترده‌تر از رشته قبل
	۰/۵۲	۱۰. نیاز به فعالیت پژوهشی
	۰/۵۰	۱۱. نیاز به تأمین علاقه، استعداد و توانایی شخصی
	۰/۴۲	۱۲. نیاز به کسب مهارت برای زندگی در دنیای پیچیده
KMO = ۰/۷۸		
df = ۹۱		
sig = ۰/۰۰۰		

۳-۴. نگرش به جامعه‌شناسی پس از تحصیل در آن

به منظور بررسی ارزیابی نتایج تحصیل در رشته جامعه‌شناسی، سودمندی‌های احتمالی تحصیل در رشته جامعه‌شناسی به پاسخ‌گویان عرضه شد و از آنان تقاضا شد بیان کنند که بعد از گذشت چند سال تحصیل در رشته جامعه‌شناسی هر یک از آثار یا پیامدهای مورد اشاره تا چه اندازه برای آن‌ها ایجاد شده است.

اطلاعات جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که در ۷ مورد از ۹ مقوله مورد بررسی، بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. فقط ۲۴ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که تحصیل در رشته جامعه‌شناسی در حد زیاد موجب افزایش اعتبار و منزلت اجتماعی آن‌ها شده است. زیرا اکثر پاسخ‌گویان از رشته‌های پزشکی، علوم پایه و فنی مهندسی به رشته جامعه‌شناسی مهاجرت کرده‌اند و رشته قبلی آن‌ها نسبت به جامعه‌شناسی از منزلت بیشتری برخوردار بوده بنابراین طبیعی است که تحصیل در رشته جامعه‌شناسی نقش معناداری در افزایش منزلت اجتماعی آن‌ها نداشته است.

جدول ۶. آموختن جامعه‌شناسی چه دستاوردی برای شما داشته است؟

میانگین (۱-۵)	تعداد	طبقات پاسخ %			مؤلفه‌ها
		خیلی کم/کم	متوسط	خیلی زیاد/زیاد	
۴/۴	۱۲۳	۹۳	۶	۱	۱. لذت بخش بودن مطالعه جامعه‌شناسی
۴/۳	۱۲۳	۷۰	۱۸	۲	۲. هماهنگی جامعه‌شناسی با استعدادها
۳/۹	۱۲۴	۷۸	۱۳	۹	۳. رشد تفکر نقادانه و تحلیلی
۳/۹	۱۲۳	۷۷	۱۷/۳	۵/۷	۴. شکل‌گیری بینش‌های تازه
۳/۸	۱۲۳	۶۹	۲۳	۸	۵. شناخت تحولات زمان خود
۳/۷	۱۲۴	۶۱	۳۲	۸	۶. پاسخ‌گویی به کنجکاوی‌های فکری
۳/۷	۱۲۴	۶۴	۲۶	۱۰	۷. تأثیر در زندگی شخصی
۳/۶	۱۲۳	۲۴/۶	۴۱	۳۴/۴	۸. افزایش اعتبار یا منزلت اجتماعی
۳/۱	۱۱۹	۳۶/۴	۳۹	۲۴/۶	۹. افزایش توانایی اصلاح جامعه
۴/۰	۱۱۷	۷۳/۵	۲۴	۲/۵	شاخص ارزیابی فایده جامعه‌شناسی

Alpha = %۸۳

برای اکثریت قریب به اتفاق یعنی ۹۳ درصد از پاسخ‌گویان آموختن دانش جامعه‌شناسی در حد خیلی زیاد و زیاد امری اکتفا کننده و لذت بخش بوده است. ۷۸ درصد از پاسخ‌گویان معتقد هستند جامعه‌شناسی در حد زیاد به رشد تفکر نقادانه و تحلیلی آن‌ها کمک کرده است. همچنین برای ۷۷ درصد از پاسخ‌گویان جامعه‌شناسی در حد زیاد منشأ رشد بینش‌های تازه شده است. از بین مقولات مورد بررسی توانایی در اصلاح جامعه دارای پایین‌ترین میانگین است. پاسخ‌گویان در توضیح این نکته بیان می‌کردند در خلال فراگیری جامعه‌شناسی به این ادراک رسیدند که توانایی اصلاح جامعه یک اقدام فردی و شخصی نیست و بیشتر به تغییر مناسبات قدرت و ساختارهای کلان جامعه وابسته است که فراتر از دایره اختیار آن‌ها می‌باشد.

توجه به ترتیب میانگین‌ها، تحلیل‌های یاد شده را تأیید می‌کند، زیرا در همه موارد عدد به‌دست آمده از میانگین ریاضی (۲/۵) بالاتر است. ارقام موجود در سطر آخر نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از پاسخ‌گویان ثمرات حاصل از آموختن جامعه‌شناسی را در حد خیلی زیاد و زیاد ارزیابی کرده‌اند.

سپس از آن‌ها سؤال شد چقدر احتمال دارد انتخاب رشته جامعه‌شناسی را به فرد دیگری توصیه کنند؟ نیمی از پاسخ‌گویان این احتمال را در حد خیلی زیاد و زیاد و ۳۵ درصد در حد متوسط دانسته‌اند. حدود ۱۰ درصد نیز گزینه کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند. در نهایت ۵ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کردند، انتخاب جامعه‌شناسی را اصلاً به کسی توصیه نمی‌کنند.

مشکلات تحصیل در جامعه‌شناسی: بررسی اطلاعات مربوط به مشکلات تحصیل در رشته جامعه‌شناسی که در جدول شماره ۷ منعکس شده نشان می‌دهد که برای ۶۵-۸۵ درصد از پاسخ‌گویان اموری مانند عدم مقبولیت بین دانشجویان و اساتید رشته جامعه‌شناسی، ملموس و عینی نبودن مباحث درس، و بی‌ربط بودن دانش جدید با دانش قبلی در حد کم یا خیلی کم مشکل آفرین بوده است. البته ظاهراً اساتید در مقایسه با دانشجویان پذیرش کمتری نسبت به تازه واردها داشته‌اند. در مقابل برای یک سوم از پاسخ‌گویان عدم آشنایی با چگونگی انجام تحقیق‌های مورد نظر اساتید، دشواری انتخاب موضوع پایان‌نامه، فقر منابع مطالعاتی مهم‌ترین مشکل بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت محدودیت‌های آموزشی و پژوهشی عمده‌ترین مشکلی است که افرادی که جامعه‌شناسی را انتخاب کرده‌اند، با آن مواجه هستند.

جدول ۷. مشکلات پاسخ‌گویان برای تحصیل در جامعه‌شناسی

مشکلات	طبقات پاسخ %			میانگین (۱-۵)
	خیلی کم/کم	متوسط	خیلی زیاد/زیاد	
۱. دشواری انتخاب موضوع پایان‌نامه	۴۷	۲۳	۳۰	۳/۴
۲. ضعف منابع آموزشی و مطالعاتی موجود	۵۲	۱۸	۳۰	۳/۴
۳. آشنا نبودن به چگونگی انجام تحقیق‌های مورد نظر اساتید	۴۰/۵	۲۶	۳۳/۵	۲/۸
۴. دشواری آزمون ورود به رشته	۴۳	۲۶	۳۱	۲/۷
۵. دشواری و تدوین مطالب با زبان و ادبیات جامعه‌شناسی	۵۴	۲۳	۲۲	۲/۵
۶. عدم تسلط به استفاده از متون انگلیسی تخصصی	۵۵/۷	۱۹	۲۵	۲/۴
۷. مشکل گذراندن دروس پیش‌نیاز	۶۳	۱۶	۲۱	۲/۳
۸. فقدان اطلاعات عمومی کافی	۵۶	۲۷	۱۷	۲/۳
۹. بی‌ربط بودن دانش جدید با دانش قبلی	۶۵	۱۰	۲۵	۲/۳
۱۰. ضعیف بودن علمی اساتید جدید در مقایسه با اساتید قبلی	۵۹	۲۶/۵	۱۵	۲/۲
۱۱. عدم مقبولیت کافی نزد اساتید جامعه‌شناسی	۶۷	۲۰	۱۲	۲/۰
۱۲. ملموس و عینی نبودن مباحث	۷۲	۲۴	۵/۳	۱/۹
۱۳. عدم مقبولیت کافی بین دانشجویان جامعه‌شناسی	۸۳	۹	۸	۱/۷
شاخص مشکلات تحصیل در جامعه‌شناسی Alpha=%۷۲	۳۹	۳۰	۳۱	۲/۸

حوزه‌های جامعه‌شناسی مورد علاقه: یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند معرف جهت‌یابی کنونی پاسخ‌گویان نسبت به جامعه‌شناسی باشد، حوزه‌های تخصصی مورد علاقه آن‌ها است. به این دلیل از آنان سؤال شد: به کدام یک از حوزه‌های تخصصی جامعه‌شناسی بیشتر علاقه‌مند هستید؟ جامعه‌شناسی فرهنگ؛ شامل هنر و ادبیات با ۱۸ درصد در رتبه اول، جامعه‌شناسی سیاسی؛ شامل جامعه‌شناسی انقلاب و جنبش‌های اجتماعی با ۱۷ درصد در رتبه دوم، جامعه‌شناسی دین با ۹ درصد در رتبه سوم، حوزه روش‌شناسی و حوزه جامعه‌شناسی توسعه، رفاه و جمعیت‌شناسی هریک با ۷ درصد در رتبه چهارم و پنجم قرار دارند.

یافته‌های یادشده حاکی از آن است که برای افرادی که از رشته‌های دیگر به جامعه‌شناسی آمده‌اند، ابتدا حوزه فرهنگ، سپس با فاصله اندکی سیاست و در مرتبه سوم حوزه مطالعات دین دارای مطلوبیت است. علاقه پاسخ‌گویان به فرهنگ، سیاست و دین ممکن است بازتاب مشی فکری اساتید آن‌ها باشد. زیرا گاهی دانشجویان در خلال تعامل با اساتید علایق فکری آن‌ها را فرا می‌گیرند. همچنین احتمال دارد، این توجه بازنمای مفاهیم، اندیشه‌ها و ادبیاتی باشد که طی سال‌های گذشته از طریق متفکران اجتماعی و رسانه‌های جمعی در سطح جامعه اشاعه یافته و بر ضرورت رشد فرهنگی و توسعه سیاسی به عنوان ابزاری برای پیشرفت جامعه ایران تأکید

می‌ورزد. به هر حال از آن‌جا که افراد فعالیت‌های پژوهشی خود را متناسب با علاقه علمی‌شان انتخاب می‌کنند، احتمال دارد در آینده جامعه‌شناسی ایران در سه حوزه فرهنگ، سیاست و دین ظرفیت گسترش داشته باشد.

سایر رشته‌های مورد علاقه: برای آن‌که پس‌زمینه‌های فکری پاسخ‌گویان بهتر شناسایی شود، از آن‌ها سؤال شد غیر از جامعه‌شناسی دوست داشتید در چه رشته دیگری تحصیل می‌کردید؟ اولین رشته مورد علاقه پاسخ‌گویان با ۴۸٪ از آرا که فاصله قابل ملاحظه‌ای از گزینه‌های بعدی دارد، رشته فلسفه است. اقبال دانشجویان به این رشته می‌تواند به این دلیل باشد که فلسفه می‌تواند تاحدی به پرسش‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناسی انسان پاسخ گوید و رابطه انسان را با دنیای پیرامون خود تبیین نماید، برخی از علاقه‌مندان به این نوع مباحث، نیازهای فکری خود را در رشته فلسفه جست‌وجو می‌کنند. به خصوص ورود فلسفه به مباحث عمومی و این دیدگاه که یکی از مشکلات توسعه ایران موانع معرفتی و فکری است، در پیوند فلسفه با تفکر اجتماعی سهم قابل ملاحظه‌ای داشته است.

روان‌شناسی دومین رشته‌ای است که ۱۱ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به آن ابراز علاقه کرده‌اند. احتمال دارد توجه به این رشته وجه دیگری از همان اشتیاق به شناخت انسان و مختصات او باشد. رشته علوم سیاسی با ۱۰ درصد از آرا در رده سوم قرار دارد. این انتخاب نیز ممکن است از نیاز به شناخت مناسبات قدرت و تأثیر ساز و کارهای آن در تنظیم جامعه و رویدادهای آن ناشی شده باشد.

۴-۴. بررسی نقش متغیرهای تأثیرگذار

از آن‌جا که کنش‌های افراد قابل فهم نیستند مگر در ارجاع به متن اجتماعی که در درون آن واقع می‌شوند (بودون، ۱۳۶۴: ۳۳) بنابراین تلاش شد زمینه‌ها و عواملی که سازنده فضای تصمیم‌گیری افراد بوده، شناسایی و تشریح شود. به این دلیل بعضی عوامل زمینه‌ساز تصمیم‌گیری پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفت.

رابطه عملکرد تحصیلی فرد در رشته قبلی با انتظار فایده از جامعه‌شناسی: هدف از بررسی این رابطه مشخص شدن این نکته است که آیا نگرشی که افراد نسبت به جامعه‌شناسی در هنگام انتخاب آن داشته‌اند از وضعیت تحصیلی آنان در رشته قبلی شان تأثیر پذیرفته است؟ به این منظور رابطه رشته و معدل کل در رشته قبل، میزان علاقه و ارزیابی از رشته قبل با انتظار پاسخ‌گویان از فایده جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد از بین چند خصوصیتی که مشخصه وضعیت تحصیلی فرد در رشته قبلی اش

می‌باشد فقط نوع رشته و نوع ارزیابی از آن با انتظار فایده از جامعه‌شناسی ارتباط دارد. میانگین انتظار فایده از جامعه‌شناسی در بین افرادی که زمینه تحصیلی آن‌ها علوم انسانی - اجتماعی بوده به طور معناداری از میانگین انتظار فایده افرادی که در رشته‌های غیر علوم انسانی - اجتماعی تحصیل می‌کرده‌اند، بیشتر است. احتمالاً دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی - اجتماعی به خاطر تشابه زمینه تحصیلی شان شناخت و بنابراین انتظار بیشتری از سودمندی جامعه‌شناسی دارند. علاوه بر این ارزیابی از رشته تحصیلی قبلی و انتظار فایده از جامعه‌شناسی با یکدیگر ارتباطی معنادار اما منفی دارد. در واقع هرچه افراد ارزیابی شان از رشته قبلی شان منفی تر باشد از جامعه‌شناسی انتظار فایده بیشتری دارند.

جدول ۸. بررسی عوامل مؤثر بر انتظار فایده جامعه‌شناسی

انتظار فایده جامعه‌شناسی	
<p>T value=۲/۷ Sig=۰/۰۰۷ df=۱۱۲</p>	<p>میانگین انتظار فایده جامعه‌شناسی در بین دانش‌آموختگان علوم انسانی - اجتماعی = ۰/۴۳ میانگین انتظار فایده جامعه‌شناسی در بین دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر = ۰/۳۹</p>
<p>r=۰/۰۷ Sig=۰/۴۰ N=۱۱۱</p>	معدل کل در رشته قبل
<p>r=۰/۰۷ Sig=۰/۴۵ N=۱۱۵</p>	میزان علاقه به رشته قبل
<p>r=-۰/۲۸۵ Sig=۰/۰۰۳ N=۱۰۹</p>	ارزیابی از رشته قبل

نکته جالبی که در جدول شماره ۸ لازم است مورد توجه قرار گیرد مقایسه دو متغیر علاقه و نگرش نسبت به رشته قبل است. انتظار فایده از جامعه‌شناسی با میزان علاقه به رشته قبل ارتباط ندارد اما با ارزیابی از رشته قبل ارتباط معناداری دارد. این بدان معنا است که فردی که انتظار زیادی از فایده جامعه‌شناسی دارد، ممکن است همزمان به رشته قبلی خود هم علاقه‌مند باشد. به عبارت دیگر تفاوت در میزان علاقه‌مندی به رشته قبل نقش تعیین‌کننده‌ای در انتظار فایده از جامعه‌شناسی نداشته است. اما در عوض ارزیابی و قضاوتی که فرد از خصوصیات مختلف

رشته خود دارد با انتظار از جامعه‌شناسی مرتبط می‌باشد. رابطه تأثیرپذیری از دیگران و انتظار فایده از جامعه‌شناسی: ابتدا شاخص تأثیرپذیری از دیگران مهم با انتظار فایده جامعه‌شناسی در ارتباط گذاشته شد، اما برخلاف انتظار رابطه معناداری مشاهده نشد. به منظور پیگیری بیشتر ابتدا شاخص تأثیرپذیری از دیگران مهم با میزان شناخت از جامعه‌شناسی در ارتباط گذاشته شد و رابطه معنادار بین دو متغیر ($r=0/51$ ، $Sig=0/00$) تأیید شد. در مرحله بعد رابطه میان میزان شناخت نسبت به جامعه‌شناسی قبل از انتخاب آن با انتظار فایده جامعه‌شناسی مورد آزمون قرار گرفت و نتیجه به دست آمده همبستگی میان دو متغیر ($r=0/33$ ، $Sig=0/00$) را تأیید می‌کند. در واقع می‌توان چنین استنتاج نمود که تأثیرپذیری از دیگران مهم از طریق سهمی که در ایجاد شناخت نسبت به جامعه‌شناسی داشته به طور غیرمستقیم بر گرایش افراد نسبت به این رشته تأثیر گذاشته است.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناخت دلایل گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی سامان یافته است. براساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت گرایش به جامعه‌شناسی حاصل شکل‌گیری انتظارات جدید از علم و همچنین متأثر از ساختار اجتماعی-سیاسی خاص جامعه ایران و مسائل مرتبط با آن می‌باشد. همان‌طور که پیش از این ملاحظه شد اکثر افراد مورد مطالعه این تحقیق از رشته‌های فنی، علوم پایه و پزشکی که از نظر مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با جامعه‌شناسی دارند، به این رشته مهاجرت کرده‌اند. ۸۲ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند به دلیل نیاز به یک حوزه فکری گسترده‌تر و جامع‌تر جامعه‌شناسی را انتخاب کرده‌اند. ممکن است همین تفاوت زمینه شکل‌گیری گرایش به جامعه‌شناسی شده باشد. زیرا اساساً وجه تمایز علوم اجتماعی و علوم طبیعی در این است که علوم اجتماعی ترکیبی از معرفت‌ابزاری و معرفت‌تفسیری-تأملی هستند» (بوروی، ۱۳۸۶: ۱۹۱) و «به خاطر غلبه چندگانگی توجیهی، تنوع برخوردها، الگوها و روش‌ها به پیچیدگی واقعیت جهان امروز بیشتر پاسخ می‌دهند» (فی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۰؛ دورتیه، ۱۳۸۲: ۲۵).

از یک منظر کلی‌تر می‌توان گفت گرایش به جامعه‌شناسی متأثر از شرایط خاص جامعه ایران است. جامعه ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار با مفاهیم و اندیشه‌های تازه‌ای که حاصل رویارویی میان وضعیت سنتی به وضعیت جدید می‌باشد مواجه است. محتوا و نوع مباحث موجود در جامعه‌شناسی امکان مطالعه، اندیشیدن و گفت‌وگو درباره این موضوعات را فراهم

می‌سازد. در این فضای فکری نیازهای شناختی جدیدی شکل می‌گیرد. افرادی که علاقه‌مند هستند که در سایه شناخت جامعه و تعیین نسبت خود با آن به تأمین نیازهای شناختی و هویتی خود بپردازند، به جامعه‌شناسی گرایش پیدا می‌کنند زیرا قلمرو موضوعی جامعه‌شناسی این قبیل مباحث را پوشش می‌دهد.

علاوه بر این احتمال دارد گرایش به جامعه‌شناسی متأثر از ضعف نهادهای مدنی در جامعه ایران باشد. کسب آگاهی اجتماعی - سیاسی، گفت‌وگو و تبادل نظر در مورد آن‌ها، سهیم بودن در قدرت و مشارکت اجتماعی نیاز اساسی و مشترک همه انسان‌ها به خصوص جوانان است. نهادهای مدنی از طریق گسترش عرصه عمومی، می‌توانند فضای مناسبی را برای تکوین و تبادل گفتمان‌های مختلف و سهیم شدن در قدرت فراهم سازند. زمانی که چنین عرصه‌ای به اندازه کافی رشد نیافته باشد افراد مستعد گرایش پیدا می‌کنند به شیوه‌ای فرعی یعنی از طریق تحصیل در رشته‌هایی که وجوه اجتماعی - سیاسی آن‌ها بر وجوه تکنیکی و ابزاری‌شان غلبه دارد، نیازهای مدنی خود را برآورده سازند.

به هر حال، هرچند که ممکن است گرایش به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی از ضعف نهادهای مدنی در جامعه ایران سرچشمه گرفته باشد اما همین فرایند می‌تواند به تدریج به تقویت گرایش‌های مدنی بیانجامد. زیرا رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی اغلب عقلانیت بازانديشانه و گفتمان انتقادی را بسط می‌دهند. «امروزه رویکردهای جدید و چندجانبه‌ای درباره علم شکل گرفته که به جای حرفه‌گرایی رشته‌ای از حرفه‌گرایی مدنی سخن می‌گوید. این رویکردها علم، دانشگاه و دانش‌آموختگان آموزش عالی را پدیده‌هایی دو بعدی و متناقض می‌دانند که هم جامعه را شکل و سامان می‌دهند و هم امکان دگرگونی و تحول آن را فراهم می‌سازند. در حالی که دانشگاه دوره مدرن از طریق حرفه‌گرایی رشته‌ای خود را در خدمت نظام‌های اجتماعی قرار می‌داد، دانشگاه معاصر با نهادینه‌سازی انتقاد به عرصه‌ای عمومی برای بحث و گفت‌وگو تبدیل شده است» (قانع‌ی راد، ۱۳۸۶: ۱۳).

به عبارت دیگر ارزش‌ها و معیارهای مدنی از طریق تحصیل برخی رشته‌ها در محیط دانشگاه به افراد آموخته می‌شود. برخی معتقد هستند در ایران این کارکرد دانشگاه از کارکرد تولید دانش قوی‌تر است. دانشگاه‌ها به هنجارمند کردن، اعتدال و به عبارتی شهروندپروری در جامعه مدرن می‌پردازند. انسان‌های مدرن هرچه بیشتر در معرض چنین آموزه‌هایی قرار گیرند، بهتر می‌توانند خود را با جامعه مدرن سازگار کنند و بیشتر می‌توانند، در تغییر و تحولات جامعه و در بقای آن مؤثر باشند (معید فر، ۱۳۸۷).

نکته قابل توجه دیگر این است که بعد از جامعه‌شناسی یکی از اولویت‌های مهم

پاسخ‌گویان، رشته علوم سیاسی بوده است. همچنین از بین شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مطلوبیت قابل ملاحظه‌ای داشته است. ممکن است علاقه‌مندی به مباحث سیاسی - اجتماعی از آگاهی نسبت به این واقعیت سرچشمه گرفته باشد که «امر سیاسی به‌منزله یک امر مقدم بنیادین، عامل تعیین‌بخش بسیاری از بنیادهای اجتماعی است. تقدم هستی‌شناسانه امر سیاسی به این معنا است که در فهم بسیاری از متغیرهای جامعه‌شناسی در ایران، باید به بنیادهای سیاسی آن توجه نمود» (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۷: ۱۹).

در نهایت می‌توان از دیدگاه یورگن هابرماس استفاده نمود. «هابرماس (Habermas, 1971) با الهام از وبر دونوع عقلانیت را از یکدیگر تفکیک کرده است. عقلانیت ابزاری متضمن عقلانیتی است که براساس آن دستیابی به یک هدف خاص تابع برآورد هزینه - منفعت می‌باشد، اما آن هدف در نفس خود حائز ارزش نمی‌باشد. درمقابل عقلانیت محتوایی یا ذاتی به فرضیه‌های ارزشی و ترجیحات فرد مربوط است. در این عرصه ابزارها به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که تحقق یک ارزش را امکان‌پذیر سازند. در همین راستا وی معتقد است هریک از قلمروهای دانش و نظام‌های تشکیلاتی مرتبط با آنها تابع یک پیش‌فرض و نفع معرفتی ویژه می‌باشند. نوع اول دانش، دانش تحلیلی است که شامل علوم اثباتی و تجربی کلاسیک می‌شود. نفع معرفتی مرتبط با این دانش شناخت طبیعت، دستکاری، پیش‌بینی و نظارت بر آن است. نوع دوم شامل علوم انسانی است که با روش تفهیمی - تأویلی کار می‌کنند و نفع معرفتی معطوف به آنها شناخت جهان است. انسان از طریق شناخت تاریخ گذشته خود می‌تواند به شناخت دنیای امروز نائل شود. این شناخت که به افزایش آگاهی از خویش منتهی می‌شود نه آزادی‌بخش است نه سرکوب‌گر. نوع سوم دانش انتقادی است که نماینده برجسته آن علوم اجتماعی است. نفع شناختی این حوزه، رهایی‌بخشی است. این قلمرو دانش به افزایش آگاهی توده‌ها، نهضت اجتماعی و اصلاح جامعه منتهی می‌شود» (ریترز، ۲۰۰۴: ۱۳۹-۱۳۸).

یافته‌های تحقیق نشان‌گر این واقعیت است که گرایش به جامعه‌شناسی بیشتر تابع یک نوع عقلانیت ذاتی و محتوایی است. زیرا معیارهایی مانند کسب شغل، افزایش درآمد، شهرت و منزلت اجتماعی که بیشتر متناظر با عقلانیت ابزاری است، جزء انتظارات اصلی پاسخ‌گویان از جامعه‌شناسی نبوده است. به‌خصوص که حدود ۸۰ درصد از افراد اعلام کرده‌اند که از طریق رشته قبلی به گذران معیشت خود می‌پردازند. در عوض مقولاتی مانند کسب شناخت انتقادی از جامعه و تأمین دغدغه‌های مدنی در گرایش به جامعه‌شناسی نقش برجسته‌تری داشته است. بنابراین می‌توان چنین استنتاج نمود که انتخاب جامعه‌شناسی به‌خصوص برای افرادی که در ابتدا در رشته‌های علوم پایه، فنی مهندسی و پزشکی تحصیل کرده‌اند بیشتر تابع یک نوع

دگرگونی در نفع معرفتی بوده است. به این معنا که علاقه فکری افراد از کشف و مهار طبیعت به سوی علاقه به شناخت جامعه و مشارکت در حیات اجتماعی - سیاسی تغییر جهت یافته است.

درستی این تفسیر زمانی قوت بیشتری پیدا می‌کند که این نکته مورد توجه قرار گیرد که ۸۰ درصد یعنی اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌گویان به واسطه تأثیرپذیری از آثار و افکار یکی از روشنفکران اجتماعی - سیاسی ایرانی به جامعه‌شناسی علاقه‌مند شده‌اند. این گروه از روشنفکران غیردانشگاهی اغلب نماینده یک گفتمان فکری و ایدئولوژیک بوده و بر غرب‌ستیزی، اصلاح و تحکیم سنت، بازگشت به خویشمن با تکیه بر بازسازی دین و همساز کردن آن با اقتضائات دنیای مدرن تأکید داشته‌اند. برخی از این روشنفکران با وجودی که خود فاقد تحصیلات آکادمیک جامعه‌شناسی بوده‌اند، اما توانسته‌اند به‌مثابه پلی میان جامعه و مردم عمل کنند و با مخاطبان خود ارتباط مؤثر برقرار کنند و آن‌ها را نسبت به اهمیت ساختارها و فرایندهای اجتماعی حساس نمایند. از این رو می‌توان گفت پاسخ‌گویان بیشتر در واکنش نسبت به مسائل جاری جامعه و اقتضائات خاص آن که در عرصه عمومی مطرح می‌شود، علاقه‌مند تحصیل جامعه‌شناسی شده‌اند.

اگر گمانه یادشده صادق باشد می‌توان گفت، انتظار از تحصیل در دانشگاه به کسب یک دانش تخصصی، یافتن شغل و کسب درآمد محدود نمی‌گردد. نسل کنونی انتظار دارد دانشگاه او را در شناخت بهتر خویش و تنظیم رابطه‌اش با جامعه و اصلاح آن یاری رساند. این نکته در بردارنده دلالت‌های مهمی برای مدیریت نظام دانشگاهی کشور است.

در نهایت باید گفت اقبال دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر به تحصیل در جامعه‌شناسی نشان دهنده این واقعیت است که مساعی اندیشمندان و پژوهشگران در زمینه تولید، انتقال و بسط دانش جامعه‌شناسی بی‌ثمر نمانده است. امروز، دایره نفوذ جامعه‌شناسی از قلمرو مخاطبان خاص فراتر رفته و دانش‌آموختگان نظام‌های علمی دیگر را نیز دربر گرفته است. این امر برای جامعه‌شناسان ایران پیامی نوید بخش به‌همراه دارد و انتظار می‌رود با تکیه بر سازماندهی بهینه و توسعه کمی و کیفی جامعه‌شناسی، دایره اقبال به این دانش گسترش یابد. از این ظرفیت می‌توان برای توسعه جامعه ایران و جامعه‌شناسی آن بهره‌برداری نمود.

پیشنهادها: یافته‌های این مطالعه در بردارنده نکاتی است که ممکن است برای محققان علاقه‌مند بعدی سودمند باشد:

-- در بین اعضای کنونی هیئت علمی جامعه‌شناسی، افرادی هستند که آن‌ها نیز با زمینه‌های

علمی متفاوت رشته جامعه‌شناسی را انتخاب کرده‌اند. شایسته است در تحقیقات آتی در قالب یک پژوهش کیفی ابعاد مختلف پدیده مهاجرت به جامعه‌شناسی براساس تجربه زیسته آنان مورد تحلیل قرار گیرد.

-- علاوه بر این در پژوهش‌های بعدی به جای دانشجویان می‌توان با اساتیدی که با این نوع دانشجویان مهاجر ارتباط آموزشی و پژوهشی دارند، گفت‌وگو نمود و جنبه‌های مختلف موضوع را از زاویه دید آن‌ها بررسی نمود.

-- همچنین از طریق انجام یک مطالعه مقایسه‌ای بین افرادی که رشته اولیه آن‌ها جامعه‌شناسی نبوده با دانشجویانی که رشته پایه آن‌ها جامعه‌شناسی بوده می‌توان عملکرد آن‌ها را در زمینه پیشرفت تحصیلی، کیفیت جامعه‌پذیری علمی، میزان فعالیت‌های پژوهشی، امکان یافتن شغل تخصصی و مؤلفه‌های دیگر مقایسه نمود و از این طریق تأثیر پیشینه تحصیلی بر تفاوت دستاوردها و عملکردها را آزمون نمود.

-- ممکن است جامعه‌شناسی به همان ترتیب که رشته‌ای مهاجرپذیر است، رشته‌ای مهاجرفرست نیز باشد. چنان‌چه بتوان میزان مهاجرت دانشجویان جامعه‌شناسی به رشته‌های دیگر را بررسی نمود، در این صورت بهتر می‌توان در مورد این فرایند و وجوه آسیب‌شناسانه آن قضاوت نمود.

-- افزون بر این، چنان‌چه محققان بعدی به بنیان‌های نظری و اطلاعاتی لازم مجهز باشند و بتوانند میزان مهاجرپذیری جامعه‌شناسی در مقاطع سیاسی-اجتماعی مختلف را بررسی نمایند، در این صورت امکان بررسی تأثیر شرایط ساختاری جامعه بر شکل‌گیری گرایش به جامعه‌شناسی فراهم خواهد شد.

-- انتظار می‌رود این قبیل تردهای علمی بین رشته‌های علمی دیگر هم رواج داشته باشد. چنان‌چه اطلاعات آماری در مورد میزان و نوع جابه‌جایی‌ها در بین رشته‌های مختلف طی مقاطع زمانی متفاوت قابل دسترس باشد، ترسیم نقشه تبادل میان رشته‌های علمی در سطح کلان امکان‌پذیر می‌گردد. به این ترتیب می‌توان میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی رشته‌های مختلف را نسبت به یکدیگر برآورد کرد. چنین پژوهشی در تشخیص روند تغییراتی که در سطح نظام آموزش عالی ایران در حال وقوع است، و برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های علمی مفید خواهد بود.

-- شایسته است پژوهش‌های بعدی بیشتر به مطالعه پیامدهای این مهاجرت متمرکز پیدا کنند. به عنوان نمونه می‌توان به این پرسش توجه نمود که افرادی که در رشته‌های دیگر و در فضای پارادیمی متفاوتی رشد کرده‌اند، آیا با ورود به جامعه‌شناسی مفاهیم و اندیشه‌های تازه‌ای

را به همراه می‌آورند؟ آیا این قبیل تداخل‌ها از اصالت علمی جامعه‌شناسی می‌کاهد و به غیر تخصصی شدن یا غیر حرفه‌ای شدن آن منتهی خواهد شد؟ آیا این نوع آمیختگی‌های علمی می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی را در جامعه‌شناسی ایران تزریق نماید و پویایی آن را افزایش دهد؟ آیا این نوع تعاملات موجب شکل‌گیری حوزه‌های میان رشته‌ای خواهد شد؟ آیا این فرایند به شکل‌گیری «یک جامعه‌شناسی مردم‌مدار که مخاطب اصلی آن به جای جامعه‌شناسان گروه‌های مردمی مختلف هستند» (بوروی، ۱۳۸۶) منتهی خواهد شد؟

منابع

- آئین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته مصوب مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۵ شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۸) *جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران*، تهران: کلمه.
- آقا بابا، ابوالفضل، بهشته عبدی (۱۳۸۷) *بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته داوطلبان مجاز به انتخاب رشته کنکور سراسری*، مجله آموزش عالی ایران، سال اول شماره سوم، ص: ۱۵۱-۱۷۱.
- بودون، ریمون (۱۳۶۴) *منطق اجتماعی روش تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: جاویدان.
- بوروی، مایکل (۱۳۸۶) *درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار*، ترجمه نازنین شاهرکنی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱.
- تریگ، راجر (۱۳۸۴) *فهم علم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۱) *موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن*، تهران: انتشار.
- شارون جوئل (۱۳۸۴) *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰) *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۸۷) *غفلت از امور سیاسی عاملی در ضعف تحلیل امور اجتماعی و فرهنگی ایران*، ویژه‌نامه همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران، شماره ۳۵.
- فی، برایان (۱۳۸۴) *فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چند فرهنگی*، ترجمه خشایار دیبیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- قانع‌راد، محمدمین (۱۳۸۴) *شیوه جدید تولید دانش: ایدئولوژی و واقعیت*، در *معرفت و جامعه*، به کوشش حفیظ‌الله فولادی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قانع‌راد، محمدمین (۱۳۸۶) *کارکرد انتقادی دانشگاه در زمانه حرفه‌گرایی*، آئین، شماره ۱۰، ۱۴-۶.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳) *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: ققنوس.

کوهن، آرتور (۱۳۷۸) *تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی*، ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

محدثی، حسن (۱۳۸۶) *آینده جامعه قدسی: امکانات و چشم‌انداز اجتماعی سیاسی دین در ایران پسا/نقلابی*، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱.
معیدفر، سعید (۱۳۸۷) *کارکردهای دانشگاه*، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۸۳۶. (۸۷/۱۰/۲۱).

Baron, Robert A., Byrne Donn, Suls Jerry (1988) *Exploring Social Psychology*, United States of America: Allyn and Bacon.

Buman, Zygmunt and May Tim (2001) *Thinking Sociologically*, United Kingdom: Blackwell Pub.

Marks, Stephen R.(1974) Durkheim's Theory of Anomie, *The American Journal of Sociology*, Vol: 80, No.20.

Ritzer, George and Goodman Douglas J. (2004) *Modern Sociological Theory*, United States of America: McGrawHill.

Sabini, John (1995) *Social Psychology*, United States of America: W. W. Norton & Company Ltd.

Sears, David O., Peplau Letita Anne and Taylor Shelly E.(1991) *Social Psychology*, USA: Prentice-Hall International Editions.

تقدیر و تشکر: بدین وسیله از همکاران گرامی خانم دکتر اعظم آزاده و آقایان دکتر سیدحسین سراج‌زاده، دکتر علیرضا شجاعی‌زند، دکتر محمدمبین قانع‌راد، دکتر محسن گودرزی همچنین از دوستان عزیز آقای احمد شکرچی، خانم حمیرا ندیمی و آقای جلیل یاری که با راهنمایی‌های خود نویسنده را یاری رساندند و از خانم مریم محمد نبی که در سازماندهی تیم تحقیق نقش اساسی داشته‌اند و کلیه افرادی که به عنوان مصاحبه‌کننده و پاسخ‌گو وقت گرانقدر خود را در اختیار محقق گذاشتند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. در نهایت از داورانی که با انتقادات خود به اصلاح مقاله کمک کردند، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

فاطمه جواهری، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم است.

Javaherm@Yahoo.com